

عیار صفر

ایجاد اعتبار برای پول ملی هم یکی از دلایل حذف صفر عنوان می‌شود که در ادامه به نادرست‌بودن این ادعا پرداخته می‌شود. بنابراین با توجه به مراتب یادشده و مطلب‌هایی که در این نوشتار به آن پرداخته می‌شود، اجرای طرح حذف صفر از پول کشور نه‌تنها منطقی به نظر نمی‌رسد، بلکه خطرهای فراوان در پی خواهد داشت.

شرایط و پیامدهای اصلی موضوع در کشور، در چند ادعای عمده درخور توجه است:

۱) **آسان‌شدن مبادله‌ها:** با توجه به نرخ کالاها و خدمات، به‌ویژه در بخش خریدهای روزانه خانوارها، در پی حذف صفرها مجبور به ایجاد اجزای پولی با تعبیه سیستم اعشار در سیستم پولی خواهیم بود که این‌ مورد خود باعث سخت‌شدن بیهوده مبادله‌ها و ثبت و ضبط اطلاعات پولی می‌شود.
از طرفی در حال حاضر با چاپ و انتشار اسکناس‌های درشت، در هیچ معامله متعارفی، شاهد تبادل حجم قابل توجه و دست‌وپاگیری از اسکناس‌ها نیستیم، حتی در همین شرایط، در بسیاری از خریدهای روزانه، کمبود برخی از قطعه‌های خرد اسکناس به‌خوبی احساس می‌شود که خود نشان‌دهنده این موضوع است که حذف صفرها در این شرایط، مبادله‌ها را سخت‌تر هم خواهد کرد. در سطح مبادلات کلان هم، با توجه به کاربرنداشتن اسکناس، این بحث زیاد درخور توجه نخواهد بود اما در صورت حذف صفرها، در نگهداری آمار و اطلاعات پولی، هم نیاز به تعبیه سیستم اعشار و مشکلات آن خودنمایی خواهد کرد.

۲) **مهار تورم:** از آنجا که پس از حذف صفر، قیمت‌ها و قدرت خرید به یک نسبت تغییر می‌کند، هیچ رابطه منطقی بین مهار تورم و حذف صفرها وجود ندارد، زیرا کوچک‌ترشدن عددی قیمت‌ها، به معنای آزران‌شدن و مهار تورم نیست، اما مهار تورم یک پیش‌نیاز اصلی برای این اقدام است.

به جزز آنهایی که به دلیل دست‌وپاگیرشدن حجم اسکناس در مبادلات، اقدام به حذف صفر از پول ملی کرده‌اند، دیگر کشورها پیش از آن شاخص‌های اقتصادی خود از جمله نرخ تورم را به اندازه مطلوب رسانده‌اند. اجرای این برنامه پیش از مهار تورم، مستلزم تکرار آن در سال‌های آینده خواهد بود. حتی این اقدام می‌تواند تا اندازه‌ای تورمز را نیز باشد.

۳) **اعتبار پول ملی:** اعتبار پول کشورها به کم‌تعدادبودن صفرهای آن نیست، بلکه به ثبات ارزش آن است. اگر این‌گونه بود زاین از سال‌ها پیش دو صفر از پول ملی حذف می‌کرد، در صورتی‌که پول این کشور یکی از معتبرترین پول‌های دنیا به شمار می‌رود. از طرفی اقدام به حذف صفر، با تداعی وضعیت کشورهای فقیر، حتی ممکن است موجب متزلزل جلوه‌کردن وضعیت پولی کشور شده و به اعتبار آن آسیب برساند.

۴) **کاهش هزینه‌ها:** با توجه به سرانه اسکناس در کشور و لزوم تعویض آنها، امار قطعات اسکناس موجود در ایران و هزینه ارزی چاپ پول، مبلغ قابل ملاحظه‌ای فقط برای چاپ اسکناس، هزینه ارزی خواهیم داشت. به این مبلغ هزینه‌های طراحی، اداری تشکیلاتی، تغییر سیستم‌های نرم‌افزاری و هزینه‌های زمان ناشی از دوباره‌کاری را باید اضافه کرد که برای هیچ صورت می‌گیرد. شاید تصور شود با حذف صفر، سرانه اسکناس در کشور پایین آمده و درنتیجه هزینه‌های بعدی چاپ، کاهش می‌یابد. اما با توجه به سطح قیمت‌ها و نرخ‌ها، فقط نقشه پول‌ها با عدد روی پول‌ها عوض خواهد شد و به همان اندازه به حجم فیزیکی پول جدید نیاز خواهیم داشت. کاهش هزینه‌های چاپ پول باید با فرهنگ‌سازی و گسترش مبادله بدون اسکناس انجام شود. همچنین این موضوع انرژی فراوانی از همه قشرهای مردم از عامه تا کارشناسان، حسابران و… بیهوده می‌گیرد که موجب افت کارایی نیروی انسانی کشور می‌شود.

به یاد بیاوریم برخی مردم که حتی با تغییر سالانه ساعت، برای مدتی سردرگم می‌شوند، در معرض سوءالتهافت، اضطراب و چالش بیهوده قرار خواهند گرفت.

سخن پایانی اینکه آنچه مسئولان محترم در این حوزه باید به آن نگاه ویژه داشته باشند، گمان به نفوذ احتمالی برخی گرایش‌های سودجویانه در این تصمیم‌گیری‌هاست که با بهره‌گیری از رانت‌ها، انگیزه‌های ثروت‌اندوزی و سایر هدف‌های کناری، برای توجیه و اقعاع مراجع تصمیم‌گیری، نهایت تلاش را به خرج می‌دهند. جای تعجب است با آنکه در دولت‌های نهم و دهم، صحبت از یک چهار صفر از پول ملی بوده است، اکنون با یک توجیه نامناسب دیگر، به حذف یک صفر اکتفا شده است؛ بنابراین گاهی این ظن ایجاد می‌شود که اراده‌ای در بخش‌هایی از ساختار مشاوره یا مدیریت کشور وجود دارد که عواقب تغییر در پول ملی (اعم از خوب یا بد) را چندان مهم تلقی نمی‌کند، بلکه صرفا اجرای این برنامه را هدف‌گذاری کرده است.

«کارشناس رسمی دادگستری و حسابدار رسمی

شرق؛ همیشه در خبرها می‌شنویم که ایران با بحران آب روبه‌روست و نزاعی که در آینده منطقه خاورمیانه را در هم می‌آشوبد، نزاع بر سر آب است. این هشدار بارها از سوی برخی از مقامات ارشد جهانی بیان شده، اما حجت میان آبادی، پژوهشگر دیپلماسی آب و مدرس دانشگاه‌های تربیت مدرس تهران و فردوسی مشهد، معتقد است این تنها یک خطاست که تصور کنیم کمبود آب به معنای بحران آب است و هر کمبود آبی منجر به تنش و ایجاد درگیری می‌شود، زیرا تحقیقات جهانی نشان داده آب در وهله اول عاملی برای مشارکت است و تقریبا دو برابر آنچه در جهان منجر به نزاع شده، مشارکت بر سر منابع آبی از طریق حکمرانی خوب و بسترهای نهادی شکل گرفته است. میان آبادی که این سخنرانی را در همایشی با عنوان «بحران بی‌آبی» در اواخر تیرماه بیان کرده بود، اخیرا نیز در نشست‌ی با عنوان «آب و رویکردهای نو در گذر تاریخی ایران» به موضوع تنش آبی پرداخت و تأکید کرد که مطالعات گسترده نشان داده است چیزی به نام «جنگ آب» تاکنون در جهان رخ نداده است. او در بخشی از سخنان خود از امنیتی‌کردن مسئله آب اظهار نگرانی کرد و افزود: باید بین ابعاد امنیتی آب و امنیتی‌کردن آن تفاوت قائل شویم. مسائل آب در بعد ملی و بین‌المللی دارای ابعاد امنیتی است و غفلت از مسائل و ابعاد امنیتی طرح‌ها، سیاست‌ها و رویکردها، پذیرفته نیست. این مسئله به معنی امنیتی‌کردن آب نیست، در نهادهای سیاست‌گذار بحث‌هایی می‌شنویم که میان آب‌ی را با نگاه امنیتی مورد توجه قرار می‌دهند. این مسئله می تواند خطرناک باشد. میان آبادی دیپلماسی را محدود به مذاکره آبی ندانست و گفت: مذاکرات آبی یکی از ابزارهای دیپلماسی است. به گفته او، در مسئله آب در کشور سه گروه دولت، دانشگاه و مردم مقصر هستند. بنابراین باید در تحلیل شرایط و مشکلات دیپلماسی آب در کشور دقت و فرصت‌های این سه گروه را مورد مطالعه قرار دهیم و متأسفانه ما در هر سه گروه ضعیف هستیم. میان آبادی با اشاره به اینکه محدودکردن مسئله آب به دو وزارتخانه امور خارجه و نیرو همچنین سازمان حفاظت محیط زیست اقدامی غلط است، قصور این سه مجموعه در مسائل هیدروپلیتیک آب را تأیید کرد.

کمبود آب با بحران آب؟

موضوع اصلی ارائه امروز من درباره بحران بی‌آبی یا بحران کم‌آبی است که این روزها مکرر در سطح جامعه و رسانه‌ها مطرح شده و شنیده می‌شود. درباره عبارت «بحران کم‌آبی» چند سؤال کلیدی مطرح است: آیا «بی‌آبی» یا بهتر بگوییم در مقام علمی آن «کم‌آبی»، یا «بحران» است؟ اگر جواب این سؤال مشخص شود، سؤال دوم این است که چه چیزی می‌تواند «کم‌آبی» را به «بحران آب» تبدیل کند؟ و درنهایت اینکه مکرر در رسانه‌ها و مقالات و پژوهش‌های علمی شنیده می‌شود که کمبود منابع آب یا کم‌آبی در آینده نه چندان دور می‌تواند تبدیل به تنش و درگیری و حتی جنگ آب شود، به کرات نیز شنیده‌ایم که قرن آینده، قرن جنگ آب خواهد بود. آیا این گزاره، صحت دارد و کم‌آبی لزوما منجر به تنش و درگیری و منازعات خواهد شد؟ زمانی که درباره بحران آب یا همان water crisis صحبت می‌کنیم، ابتدایی‌ترین سؤالی که باید مطرح کنیم این است که بحران آب چیست؟ برای اینکه جواب این سؤال را بدیم، باید دو تعریف داشته باشیم: یک- تعریف آب چیست؟ که در این‌ فرصت محدود امکان واکاوی آن نیست و از آن می‌گذرم و دو- از منظر علمی به چه پدیده‌ای «بحران» گفته می‌شود؟ به بیان ساده، یک پدیده باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد که به‌عنوان «بحران» در نظر گرفته شود و بعد، برای آن پدیده به‌عنوان پدیده‌ای که دچار بحران شده، از رویکردهای «مدیریت بحران» استفاده کنیم.

در بحث بحران، این سؤال کلیدی را باید مطرح کنیم که یک پدیده چه زمانی بحران محسوب می‌شود؟ اصولا یک پدیده چه زمانی بحران (crisis) محسوب شده و چه زمانی در زمره بلایا (disaster) قرار می‌گیرد؟ خشک سالی و ملی دو پدیده طبیعی هستند، چرا در بسیاری از مقالات علمی، خشک سالی و کم‌آبی را به‌عنوان بحران می‌شناسیم، اما سبیل را به‌عنوان بلا یا

فاجعه در نظر می‌گیریم؟ آیا رویکردهای مقابله و بهتر بگوییم مدیریت این دو پدیده، باید متفاوت باشد؟ بحران چیست؟ اگر بخواهیم برای بحران تعریفی در نظر بگیریم، باید اشاره کرد که تعاریف بسیار متعددی در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف برایش تعریف شده است. یک تعریف آن است که زمانی که یک پدیده به شرایطی برسد که باید تصمیم‌های مهم در بازه‌های زمانی بسیار کوتاه گرفته شود، آن پدیده به بحران رسیده است. بر این اساس، در این شرایط برخی مدیران و سیاست‌گذاران ادعا می‌کنند که شرایط بحرانی است و فرصت تفکر و مطالعات جدی نداریم. چون وضعیت بحرانی است، باید سریعاً و در مدت کوتاهی کاری انجام دهیم که مکرر در کشور نمونه‌ها و مثال‌های مختلف آن را شاهد بوده‌ایم که این می‌تواند هم مثبت باشد هم منفی.

اما یک پدیده زمانی که به‌عنوان بحران شناخته می‌شود، چند ویژگی کلی دارد: اولین ویژگی بحران‌ها این است که غیرقابل پیش‌بینی هستند. ویژگی دوم آنها این است که دینامیک و پویا بوده و ایستا نیستند. ویژگی مهم سوم آن است که بحران‌ها، ماندگار نیستند و شرایط اضطراری دارند. بنابراین موقت و گذرا هستند. فرض کنید کسی می‌گوید یک دو ماه است که دچار بحران روحی شده است. این پذیرفتنی است اما کسی که قریب به ۱۵ سال است که این مشکل را دارد، نمی‌تواند بگوید من «بحران» روحی دارم و این فرد از مسئله بحران گذر کرده و به مراحل حادث رسیده است. ویژگی چهارم، عدم قطعیت است. اگر یک پدیده، مجموع این ویژگی‌ها را داشته باشد، می‌توانیم بگوییم این پدیده، به‌عنوان بحران مطرح شود و می‌توانیم از رویکردهای «مدیریت بحران» برای مدیریت آن استفاده کنیم. اما سؤال اصلی آن است که آیا «کمبود آب» لزوما به معنای «بحران آب» است؟ رابطه بین «کمبود آب» و «بحران آب» چیست؟ اگر کمبود آب به معنای بحران آب است، آیا برآنی به معنای نبود مشکل آبی است؟ اگر این‌گونه نیست، پس چرا در برخی از کشورها و مناطق پرآب، ما شاهد هشدارها درخصوص تنش‌ها و حتی بحران آب هستیم؟ آنچه مشخص و واضح است آن است که کم‌آبی، یک پدیده طبیعی است و یک پدیده طبیعی نمی‌تواند به معنای بحران تلقی شود. بنابراین کمبود منابع آب، لزوما به معنای بحران آب نیست. بنابراین اینجا این سؤال پیش می‌آید که چه عواملی باعث می‌شود کمبود منابع آب به‌عنوان یک عامل و پدیده طبیعی به بحران تبدیل شود؟ این سؤال هم در بحث سیاست‌گذاری و هم در بحث مدیریت و برنامه‌ریزی در سطوح مختلف محلی، منطقه‌ای و ملی و بین‌المللی مطرح است.

حکمرانی آب، عامل بحران آب

اما سؤال بعدی این است که آیا کم‌آبی باعث ایجاد تنش و درگیری می‌شود؟ آیا جنگ بعدی در قرن حاضر

اقتصاد



امیر هکمتی، مدیر عامل شرکت آب و برق تهران

میان آبادی بر تمایز قائل شدن بین «کمبود آب» و «بحران آب» تأکید کرد

مناقشات آب در قدر مطلق

کمبود منابع آب، لزوما بحران آب نیست. یک حلقه مفقوده بین این دو هست. در این زمینه مطالعات بین‌المللی متعددی صورت گرفته است. به‌عنوان نمونه، بانک توسعه آسیایی (ADB) هرساله چشم‌انداز کشورهای آسیایا را تهیه و منتشر می‌کند. بخش مهمی از این مطالعات، بحث امنیت آبی در کشورهای آسیایی را بررسی و واکاوی می‌کند. از سال ۲۰۰۶ میلادی این چشم‌انداز هر سال منتشر می‌شود. نتایج مطالعات آب در کشورهای آسیای جنوب شرقی، بخش‌اندازی که برای کشورهای آسیایی صورت گرفته، این را نشان می‌دهد که کشورهای آسیایی اگر با بحران آب مواجه شدند، به خاطر کمبود فیزیکی منابع آبی نیست، بلکه به خاطر سوءمدیریت یا مدیریت ضعیف آنهاست. به بیان ساده، اثبات همان گزاره که این سوءمدیریت است که باعث ایجاد بحران تقریبا رخدادهای مشارکت‌محور بر سر آب، دو برابر گزارش سالانه این نهاد که در ۲۰۱۳ میلادی نیز منتشر شد دوباره بر همین مسئله تأکید می‌کند که همان‌طور که در گزارشات سال‌های گذشته نیز اشاره شد یافته‌های مطالعاتی اخیر نیز همچنان نشان می‌دهد که اگر بعضی از کشورهای آسیایی به‌ویژه کشورهای در حال توسعه، با مسئله‌ای به نام بحران آب مواجه شوند، به خاطر کمبود فیزیکی منابع آبی نیست؛ بلکه به خاطر سوءمدیریت است؛ بنابراین باید بر این مسئله کلیدی دقت کرد که بین بحران آب (water crisis) و کمبود آب (water scarcity) حلقه مفقوده‌ای به نام سوءمدیریت هست؛ بنابراین عزیزان سیاست‌گذار و طراح رشد یا این مسئله تمرکز جدی کنند که چطور باید این حلقه مفقوده را در سیاست‌گذاری‌ها و طراحی‌ها به‌ویژه در طراحی شهری و مدیریت شهری به‌ویژه در بسیاری از مناطق شهری که کمبود آب داریم، در نظر بگیریم که این طراحی در بخش‌های مختلف در کلان‌شهرها به بحران آب تبدیل نشود. بنابراین همان‌طور که تأکید کردم، جواب سؤال اول این است که «بحران کم‌آبی» یک واژه علمی و پذیرفته‌شده نیست. ما وقتی که کم‌آبی را به‌عنوان یک بحران قبول کنیم، بدیهی است که راحت‌ترین راه‌حل آن، مدیریت عرضه و تأمین منابع آب و جبران کم‌آبی است که سیاست‌گذاری کشور را به سمت مدیریت عرضه سوق می‌دهد و این همان مصیبت منابع آب سیاست‌گذاری بحران آب در کشور است که بحران کم‌آبی» یک واژه علمی و پذیرفته‌شده نیست. ما وقتی که کم‌آبی را به‌عنوان یک بحران قبول کنیم، بدیهی است که راحت‌ترین راه‌حل آن، مدیریت بحران و تصمیم‌گیری‌های عاجل و سریع و در بسیاری مواقع بدون مطالعات کافی و جامع است که مجموع اینها می‌تواند برای کشور شرایط بسیار نامناسبی را رقم بزند.

اما سؤال بعدی این است که آیا کم‌آبی باعث ایجاد تنش و درگیری می‌شود؟ آیا جنگ بعدی در قرن حاضر

جنگ آب خواهد بود؟ آیا لزوما آنچه مکرر در مقالات، یادداشت‌ها و سخنرانی‌ها می‌بینید و می‌شنوید، آب یک منبع تنش است یا خیر و برخلاف تصور ما آب و کمبود منابع آب عامل همکاری و مشارکت بوده و هست؟

هشدار سیاست‌مداران برای جنگ آب

افراد و سیاست‌مداران متعددی ازجمله انور سادات، پطروس غالی، کوفی عنان، محمد مرسی و نوری مالکی برای جنگ آب هشدار داده‌اند و حتی گفته‌اند که جنگ بعد در قرن آینده، جنگ آب است؛ اما زمانی که درباره تنش صحبت می‌کنیم، سؤال ابتدایی ما باید این باشد که چطور می‌توانیم تنش را اندازه بگیریم؟ نمونه بارز این مسئله روابط ما با ترکیه است. اکنون با ترکیه بر سر داعش، پروژه گاپ و مسائل مختلف تنش داریم؛ اما از سوی دیگر، چون در سالگرد کودتای ترکیه هستیم، ایران اولین کشوری بود که با کودتا در ترکیه مخالفت کرد. جمله معروف آقای ظریف، وزیر امور خارجه را هم به یاد می‌آوریم که گفته بود: «در شب کودتا در ترکیه تا صبح چشم‌هایمان بسته نشد». حال سؤال این است که میزان تنش در روابط دو کشور در چه سطحی است؟ سطح تنش ایران با ترکیه و ایران با عربستان و آمریکا در چه حد است؟ آیا یکسان است؟

روش‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری میزان تنش وجود دارد؛ اما معروف‌ترین روش ارائه‌شده اخیر، روشی است که از سوی پروفیسور ولف و همکارانش در دانشگاه اورگون آمریکا ارائه کرده‌اند. در این روش، ۱۶ شاخص را از منهای هفت به معنای جنگ تمام‌عیار و رسمی تا مثبت هفت، به معنای مشارکت کامل، در نظر گرفته‌اند؛ اما برای پاسخ به این سؤال که آیا مسائل آبی باعث تنش است یا همکاری، آنها در یک مطالعه جامع، کل وقایع آبی (شامل وقایع همکاریانه‌محور و وقایع تنش‌محور) را از سال ۱۹۴۸ تا ۱۹۹۹ میلادی که بیش از هزارو ۸۰۰ مورد واقعه آبی بین ۱۴۴ کشور و سپس وقایع آبی بین سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۸ میلادی را که شامل ۷۵۵ رخداد آبی بود، بررسی کردند.

آب، عامل مشارکت یا تنش؟

نتایج نشان داده برخلاف باورهای عمومی، اکثر اتفاقات آبی رخ‌داده در دنیا در قرن گذشته، مشارکت‌محور بوده و نه تنش‌محور. نکته دیگر آنکه تقریبا رخدادهای مشارکت‌محور بر سر آب، دو برابر رخدادهای تنش‌محور است؛ بنابراین نتیجه‌گیری این بود که برخلاف تصور ما که آب می‌تواند عامل تنش باشد، آب می‌تواند عامل مشارکت باشد که این مسئله کاملا به ساختار حکمرانی و رویکردهای مدیریتی ما بستگی دارد. اما چه عواملی باعث می‌شود که آب عامل تنش یا عامل مشارکت شود؟ اختلافات آبی ایران و افغانستان و مسائل آبی ما با ترکمنستان را به‌عنوان دو‌الگوی اختلاف و مشارکت در نظر بگیریم. پروژه ایکو (ICOW) یکی از پروژه‌های معروف هیدروپلیتیکی است که به بررسی این مسئله در دنیا پرداخته است. این پروژه با استفاده از بانک اطلاعاتی معروف MTOPS – که سعی دارد همه تنش‌های رخ‌داده در جهان را ثبت کند- تنش‌ها و تنازعات آبی را که تاکنون در سه منطقه دنیا شامل آمریکا، آسیای غربی (خاورمیانه) و اروپای غربی بر سر منابع آبی مشترک اتفاق افتاده، بررسی کردند. آنها در این مطالعات، سه عامل کلیدی کمبود آب، ساختار حکمرانی و میزان تنش‌ها و تنازعات آبی را در این مناطق بررسی کردند. نتایج نشان داد که کمبود منابع آب زمانی باعث افزایش تنش شده که ساختار و سازمان مناسب برای حکمرانی حوضه آبریز مشترک وجود نداشته است و برعکس جاهایی که ساختار مناسب حکمرانی و بستر نهادی برای مدیریت و بهره‌برداری مشترک وجود داشت، کمبود منابع آب نه تنها باعث ایجاد تنش نشده؛ بلکه باعث افزایش مشارکت و همکاری در آن حوضه‌ها نیز شده است؛ بنابراین اینکه تصور کنیم کمبود آب لزوما منجر به بحران آب و تنش و درگیری آب خواهد شد، این گزاره از نظر علمی اشتباه است؛ بنابراین اگر می‌خواهید بر بحث منابع آب، مدیریت شهری، طراحی و سیاست‌گذاری در بخش‌های مختلف تمرکز کنید، به جای دو پدیده طبیعی به نام کمبود منابع آب، باید بر عامل و علت مهم‌تر، یعنی مدیریت و حکمرانی صحیح آب، تأکید و تمرکز کرد.

پشت پرده اختلاف درباره تنظیم سند مالکیت خودرو

● **ایرنا:** محمدعلی اسفغانی، مدیرکل امور مجلس وزارت دادگستری درباره اختلاف پلیس راهور و کانون سردفتران در ثبت سند خودرو اظهار کرد: صدور سند سبز با آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی مطابقت دارد و از این نظر حرف پلیس درست است. چراکه اعتقاد دارد صدور سند خودرو با گواهی مالکیت (سند سبز) کفایت کرده و همواره به آن استناد می‌کند. اما این مهم تا زمانی درست است که گواهی اولیه خودرو صادر شود، موضوعی که کانون سردفتران به آن ایرادی نمی‌گیرد. مدیرکل امور مجلس وزارت دادگستری گفت: اشکال کار، اعتقاد نیروی انتظامی به این است؛ زمانی که مالکیت خودرو به دیگری منتقل و پلاک جدید صادر شد هم نیازی به ثبت در دفترخانه نیست. این در حالی است که قانون مدنی ما نحوه انتقال مالکیت را در چند قالب از جمله عقود و قراردادهای معتبر می‌داند. اسفغانی با بیان اینکه برگ سبز نیروی انتظامی مالک دوم خودرو را ثابت نمی‌کند، گفت: اگر اختلاف بین دارنده جدید و سابق خودرو پیش آمد، در پلیس راهور به این مسائل توجه نمی‌کنند. سندی که در دفترخانه ثبت می‌شود تمام جزئیات سند را نوشته و متن است. قانون نوشته‌شده در این زمینه برای رفع اختلاف است و غیر از آن کارایی ندارد. وی در واکنش به اظهارنظر «معاونت قوانین مجلس» مبنی بر اینکه «سند خودرو صادره از سوی نیروی انتظامی رسمیت دارد و مستند قانونی مبنی بر الزام مراجعه به دفترخانه ثبت و اسناد جهت نقل و انتقال خودرو یافت نشده»، اظهار کرد: طبق قانون این معاونت اجازه تفسیر قانون ندارد چراکه تفسیر قانون با برعهده نمایندگان مجلس از طریق استفساریه (درباره قوانین عادی) است یا تفسیر از سوی قاضی یا دادرس برای استناد به قانون یا تفسیر قانونی از سوی شورای نگهبان است. نظر کمیسیون اصل نود این است که طبق اصل حقوقی نقل و انتقال باید ثبت شود و صرفا ثبت آن در دفتر اسناد رسمی است. سخنگوی سابق کمیسیون قضائی مجلس شورای اسلامی درباره رای دادسرای نظامی تهران مبنفع کانون سردفتران و رای پلیس به جمع‌کردن برنهایی علیه کانون گفت: کاری که پلیس در این زمینه انجام داده، بدعت نامتعارف و غیرقانونی است. کجا دیده‌اید مجموعه‌ای برای خود اختیار قائل شده یا علیه قانونی اعلامیه بچسباند یا مردم را تحریک کند؟ حتی اگر پلیس باشد.

تمرکز رنو بر افزایش تولید و داخلی سازی در پروژه تندر ۹۰

● **ایرنا:**مطابق توافق صورت‌گرفته با شرکای ایرانی، دو اولویت اصلی رنو درباره پروژه تندر ۹۰ برای سال جاری، افزایش کمی و کیفی تولید و همچنین داخلی‌سازی است. درحال‌حاضر، برنامه تولید روزانه ۷۰۰ دستگاه از محصولات رنو در حال اجراست. از سوی دیگر، تولید موتور در شرکت مگاموتور از سر گرفته شده و تولید ربکس در شرکت چرخشگر در حال انجام است. داخلی سازی ترمز ABS نیز به زودی انجام خواهد شد. شرکت رنو در حال برنامه‌ریزی جامع برای به‌روز نگه‌داشتن پروژه تندر ۹۰ است و همکاری در این زمینه با دو شرکت ایران‌خودرو و پارس‌خودرو در جریان است. درحال‌حاضر، مجموع تولید روزانه محصولات رنو در ایران به ۷۰۰ دستگاه در روز رسیده که از زمان امضای قرارداد تندر۹۰ رکورد محسوب می‌شود. تا کنون، داخلی سازی تندر ۹۰ حدود ۶۰ درصد و ماندرو حدود ۴۰ درصد است. قرار است نرخ داخلی سازی هر دو خودرو در سال‌های آتی به ۸۰ درصد برسد.

مجمع عمومی سالیانه بیمه ایران برگزار شد

● **فارس:** مجمع عمومی سالیانه شرکت سهامی بیمه ایران برگزار شد و پس از ارائه گزارش عملکرد از سوی محسن پورکیانی، رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل بیمه ایران، علی طیبینا، وزیر امور اقتصادی و دارایی، از عملکرد بیمه ایران تقدیر و تشکر کرد. محسن پورکیانی، مدیرعامل بیمه ایران، در این مجمع ضمن ارائه گزارش عملکرد شرکت متبوعش اعلام کرد: نرخ رشد پرداخت خسارت از هشت درصد در سال ۹۴ به ۲۲ درصد در سال ۹۵ رسیده و این شرکت روزانه ۲۸ میلیارد تومان به زیان‌دیدگان و ذی‌نفعان خسارت پرداخت می‌کند. مدیرعامل بیمه ایران ادامه داد: نرخ رشد حق بیمه از هفت درصد در سال ۹۴ به ۱۶ درصد در سال ۹۵ رسیده و حق بیمه را به بیش از دو برابر افزایش داده است. وی همچنین حرکت استراتژیک این شرکت به سمت بیمه‌های زندگی را عامل موفقیت و کسب نرخ رشد ۲۱ درصدی در این رشته عنوان کرد و گفت: این رشد در بیمه‌های زندگی بیشترین نرخ رشد در کشور بوده و نشان‌دهنده عملکرد منطقی بیمه ایران است. پورکیانی ترمیم توانگری مالی بیمه ایران را که دوباره مسیر صعودی بیمه ایران را به پیش گرفته است، نشانه بسیار مهم و خوبی برای این شرکت دانست و گفت: میزان اخذ ذخایر فنی شرکت در سال ۹۵ بالغ بر ۱۰۴ هزار میلیارد ریال بوده که این میزان در صنعت بیمه حق بیمه و نظیر و معادل کل حق بیمه صادره شرکت در حساب‌های ذخیره است.